

تقابل دموکراسی‌های غربی با پلتفرم‌های دیجیتال

گسترش تئوری‌های توطئه و اطلاعات نادرست در پلتفرم‌های دیجیتال در هفته گذشته بریتانیا تحت تأثیر قرار داد. برای بسیاری از افرادی که در دولت و فراتر از آن کار می‌کنند شبکه ایکس (توییتر سابق) و مالک آن ایلان ماسک در مرکز این سرزنش‌ها قرار دارند که شخصاً با کی‌یر استارمر، نخست‌وزیر بریتانیا وارد بگوگو شد. قانونگذاران انگلیسی می‌گویند، به شرکت‌های فناوری هشدار داده‌اند تا نام‌های پخش شایعات آن دسته از افرادی که می‌خواهند آسیب بزنند و شکاف در جامعه ایجاد کنند، شوند. اما از آنجایی که سیاستمداران به همان پلتفرم‌ها بازگشتند تا تمام هشدارهای خود را عمومی کنند و همکاران کابینه‌شان از آنها استفاده کردند تا از جوامع محلی و نیروهای پلیس تشکر کنند، یک موضوع به‌طور فزاینده‌ای واضح است: فناوری‌هایی مانند شبکه ایکس تکه‌های حیاتی زیرساخت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است و برون‌سپاری این زیرساخت‌ها با هزینه بالایی همراه خواهد بود. باورهای اشتباه دو دهه گذشته بر آن بود که این پلتفرم‌های غول دیجیتال، سیاسی نیستند. شرکت‌های فناوری که از طریق توانایی‌های خود در هدف‌گذاری برای تبلیغات بهتر به برخی از بزرگترین شرکت‌های جهان تبدیل شدند، نتوانسته‌اند قلب‌ها و ذهن‌های سیاسی را تغییر دهند. مارک زاکربرگ در سخنرانی خود در سال ۲۰۱۶ در واکنش به این بحث که محتوای فیس‌بوک بر نظر رای‌دهندگان که مبین کلینتون و ترامپ شک داشتند، اثر گذاشته را «ایده‌ای کاملاً دیوانه‌وار» خواند. او از آن زمان از اینکه سخنانش تحقیرآمیز بوده ابراز پشیمانی کرد و در اکثر پلتفرم‌ها گام‌هایی برای تسکین قانونگذاران برداشت. در سال ۲۰۱۸، فیس‌بوک آرشویی از تبلیغات سیاسی در این پلتفرم را منتشر کرد تا شفافیت‌ها را افزایش دهد. گوگل سال بعد همین کار را کرد و توییتر یک گام فراتر رفت و تبلیغات سیاسی را ممنوع کرد. سیاست‌های تیک‌تاک هم علیه تبلیغات سیاسی است. منتقدان می‌گویند که این سیاست‌ها تنه‌پا برای کاهش سیاسی‌سازی این پلتفرم‌های فناوری کافی نیست بلکه طراحی این پلتفرم‌ها نوع جدیدی از سیاست‌ها را آشکار می‌کند؛ سیاستی که اثر آن را با استفاده از همان متر و معیاری که شرکت‌های تبلیغاتی بر آن اتکامی می‌کنند، اندازه‌گیری می‌کند: تعداد کلیک، بازدید و تعامل. برخلاف ادعای مالکان شبکه‌های اجتماعی، ۱۰ دقیقه وقت گذراندن در پلتفرم‌های اجتماعی قطعات بنیادی زیرساخت‌های سیاسی را نشان می‌دهند، آزمایش دشواری است که میلیون‌ها نفر برای تشکیل و به‌اشتراک گذاشتن سیاست‌هایشان وارد آن شده‌اند. به‌رحال پیام این صنعت مشخص است: شرکت‌های فناوری می‌خواهند نهادهای خنثی و غیرسیاسی باشند. از سال ۲۰۲۲، شبکه ایکس خلاف این روند حرکت کرده است. ماسک، که در شبکه ایکس بیشترین تعداد دنبال‌کننده را دارد، همواره به مسائل سیاسی پرداخته است. سال ۲۰۱۹، ممنوعیت بر تبلیغات سیاسی برداشته شد و پرونده‌های شکایت از منتقدان ایکس ثبت و داوران اخته شدند. در زمان نگارش این گزارش یک پستی که هشدار می‌دهد کاملاً مایه‌ریس یک کمونیست واقعی است در بخش هایلائیته پروفایل ماسک ضمیمه شده. در هفته گذشته ماسک پیام‌هایی را بزرگ می‌کرد که واکنش بریتانیا به بی‌نظمی اخیر را توجیه می‌کردند، پست «جنگ داخلی غیرقابل اجتناب است و هشتک TwoTierKier مبنی بر این ادعا گسترش پیدا کرد که در دولت استارمر، پلیس بر خورد آرام‌تری با خشونت گروه‌های چپ‌گرایان نسبت به راست‌گرایان داشته است. این اتهامی است که از سوی نخست‌وزیر بریتانیا و رئیس پلیس لندن رد شده است. استفاده ماسک از پلتفرم ایکس خشم بسیاری را برانگیخته است. نمایندگان پارلمان بریتانیا نظرات ماسک در باره خشونت در انگلستان را تاسف‌بار خوانده‌اند که هیچ توجیهی برای آنها وجود ندارد. دموکراسی‌های غربی بالاخره با حقیقت سختی روبرو شده‌اند: زیرساخت‌هایی که در آنها سیاست‌های کشور و به‌اشتراک گذاشتن اطلاعات اتفاق می‌افتد به‌طور فزاینده‌ای با ارزش‌های آنها مغایر است. فناوری‌هایی که زمانی بی‌ضرر یا حتی دارای ارزش مثبت برای گسترش ایده‌های غربی و لیبرال دیده می‌شدند حالا بی‌بندوبار شده‌اند: در برابر سوءاستفاده آسیب‌پذیرند، به‌سختی می‌توان برای آنها قانون تنظیم کرد. فعلاً گزینه‌های جایگزین وجود ندارند: مثلاً بی‌بی‌سی هیچ پلتفرم شبکه اجتماعی ندارد. هنگام برگزاری اعتراضات مخالفان، ایوت کوپر وزیر کشور از نیروهای پلیس در شبکه ایکس تشکر کرد. حساب نخست‌وزیر هم سپس آن را در همان پلتفرم بازنشر کرد. درگیری‌ها در شبکه‌های اجتماعی در دیگر کشورهای بزرگ جهان امری معمولی است. مقامات دولت‌ها در فیلیپین، سریلانکا و سنگال بارها از چالش‌های خود در درگیری با پلتفرم‌های بزرگ شکایت کرده‌اند.



یاسمن طاهریان
خبرنگار گروه بین‌الملل



چهره
بین‌الملل

یک ماه اعتراضات مردمی و سرنگونی دولت در عرض ۲۴ ساعت فصل جدیدی از تاریخ بنگلادش را رقم زد. شاید بتوان دلیل سقوط حکومت شیخ حسینیه را دیکتاتوری، فساد و فاصله گرفتن عناصر قدرت از جمله ارتش از نخست‌وزیر دانست. ارتش بنگلادش به سرکوب تظاهرات مردمی که خیابان‌ها را تسخیر کرده بودند، ادامه نداد و از حمایت از حسینیه ۷۶ ساله عقب‌نشینی کرد. واکرا زمان، فرمانده ارتش بنگلادش در سخنرانی خود در مقر ارتش در داکا یک روز پیش از استعفای حسینیه اعلام کرد: «ارتش بنگلادش سمبلی از اعتماد مردم است. (ارتش) همیشه در کنار مردم ایستاده و برای مردم در کنار مردم باقی خواهد ماند». جنبش «دانشجویان علیه تبعیض»، گروه اصلی که رهبری تظاهرات را برعهده داشت، از مردم خواسته بود دیگر مالیات‌ها و قبض آب و برق را پرداخت نکنند. آنها همچنین از کارمندان دولت و کارگران کارخانه‌های پوشاک خواستند تا اعتصاب کنند. پس از هفته‌ها اعتراضات مردمی و چند روز پس از کناره‌گیری و فرار شیخ حسینیه به هند، محمد یونس برنده جایزه صلح نوبل به عنوان رئیس دولت موقت انتخاب شد. پنجشنبه گذشته یونس، منتقد دیرینه حسینیه در کاخ ریاست‌جمهوری در داکا، پایتخت بنگلادش، قسم خورد. دست‌کم ۱۶ نفر از دیگر اعضای کابینه یونس، از جمله ناهید اسلام و آصف محمود، دو دانشجویی که رهبری اعتراضات برای برکناری حسینیه را برعهده داشتند هم قسم خوردند. رحمان خان، وکیل برجسته حقوق بشر بنگلادشی که کشتار فرافرونی، خروج اجباری و خشونت پلیس را دنبال کرده و در دولت حسینیه به دو سال زندان محکوم شده بود نیز هم‌اکنون به‌عنوان مشاور دولت موقت یونس در دورانی که بنگلادش برای انتخابات جدید آماده می‌شود، فعالیت خواهد کرد. یونس ۸۴ ساله ملت بنگلادش را دعوت به آرامش کرد تا از خشونت اجتناب کنند و نظم در کشور برقرار شود.

انتخاب یونس؛ عبور از سیاستمداران

محمد یونس به بانکدار فقرا شهرت دارد و سال ۲۰۰۶ جایزه صلح نوبل را به‌دلیل فعالیت‌هایش در زمینه توسعه وام‌های خرد برای مبارزه با تبعیض شدید علیه دهک‌های پایین جامعه دریافت کرده است. پس از آنکه هوایم‌های یونس از پاریس در داکا به‌زمین نشست، در سخنرانی خود جوانان بنگلادشی را مخاطب قرار داد: «بنگلادش در به‌کارگیری از ابزارهای انقلاب، طلوع جدید پیروزی را رقم خواهد زد. دیدگاه پیش‌روی ما باید ادامه راهمان باشد.» یونس در ادامه از جوانان قدردانی کرد که این انقلاب را رقم زده‌اند. «آنها از کشور محافظت کردند. ما آرزو می‌کنیم این بنگلادش جدید به‌سرعت پیش رود. ما باید از این آزادی محافظت کنیم.» یونس همچنین تأکید کرد که آزادی زمانی معنا پیدا می‌کند که تمام مردم بنگلادش آن را احساس کنند. شهید العلم، عکاس خبری، نویسنده، فعال اجتماعی محبوب بنگلادشی پرونده‌هایی از نقض حقوق بشر و جنبش‌های سیاسی و اجتماعی جمع‌آوری کرده است. او در سال ۲۰۱۸ پس از انتقاد از واکنش خشونت‌بار دولت به اعتراضات سراسری دانشجویان و پس از مصاحبه‌ای با شبکه الجزیره از سوی پلیس بنگلادش دستگیر شد. العلم ۱۰۷ روز را در زندان گذراند و از سوی مسئولان زندان تحت شکنجه قرار گرفت و پس از راه‌اندازی کمپین جهانی از سوی روزنامه‌نگاران گروه‌های رسانه‌ای بشردوستانه آزاد شد. در همان سال العلم به گروهی از روزنامه‌نگاران به‌نام «نگهبانان» پیوست و مجله تایم هم او را شخص سال معرفی کرد.

او در پاسخ به این سوال که چگونه جنبش دانشجویی منجر به برکناری شیخ حسینیه و فرار او به هند شد، می‌گوید: «این جنبشی مردمی بود که از سوی دانشجویان به‌راه افتاد.» معترضان ابتدا بر سر یک سیاست ناعادلانه برای سهمیه‌بندی در مشاغل خدمات شهری به خیابان آمدند اما پس از عقب‌نشینی دادگاه عالی، دست از اعتراض برداشتند. به گفته مبشر حسن، پژوهشگر بنگلادشی در دانشگاه اسلو در نروژ در مجله تایم، ترس و وحشت در شیوه حکومت‌داری شیخ حسینیه مشخص بود و تاجایی رسید که مردم گفتند دیگر بس است: «این دیگر یک اعتراض نیست، خیزش مردمی است.»

العلم بر این باور است که دولت می‌توانست این مشکل را بهتر حل کند اما تکبر رهبر خودکامه به این جنبش دامن زد. معترضان درخواست دیدار با رئیس‌جمهور را داشتند که او هیچ‌وقت پاسخی ارائه نکرد. حسینیه در گفت‌وگویی معترضان را مسخره کرد و آنها را رضاکار خطاب کرد که به‌گفته العلم در زبان بنگلادشی حرفی توهین‌آمیز است: عبارتی که در جریان جنگ استقلال بنگلادش به افرادی که با ارتش پاکستان همکاری می‌کردند، گفته شد و به‌معنی مقابله با جنگ استقلال و آزادی است؛ موضوعی که خشم بیشتر دانشجویان را برانگیخت. آنها در خواست کردند حسینیه عذر خواهی کند اما به‌گفته العلم حسینیه چنین شخصیتی ندارد و در عوض جواب مردم را با گلوله داد. کشمکش‌ها در خیابان‌های بنگلادش به صحنه خشونت تبدیل شد و پلیس کشتار



شیخ حسینیه، نخست‌وزیر مستعفی

گسترده مردم را آغاز کرد. گزارش‌ها تعداد کشته‌شدگان را ۴۶۹ نفر اعلام کرده‌اند. العلم می‌گوید در آن زمان بود که دیگر هیچ‌راهی برای بازگشت به گذشته وجود نداشت. محمد یونس در سال ۲۰۰۶ با ابداع برنامه وام‌های خرد که به صدها هزار نفر از فقرای بنگلادشی به‌ویژه زنان کمک کرده بود، جایزه صلح نوبل را دریافت کرد. نگارش کتابی با عنوان «یک جهان، سه‌تا صفر؛ فقر صفر، بیکاری صفر، نشر گازهای گلخانه‌ای صفر» شهرت دیگری را برای یونس رقم زد. در سال ۲۰۱۷ یافته‌های سازمان خیریه بین‌المللی برای مبارزه با فقر، موسوم به اکسفام، حاکی از آن بود که میزان دارایی‌های ۸ نفر از ثروتمندترین مردان جهان بیش از دارایی‌های نیمی از جمعیت جهان، یعنی بیش از ۳ و نیم میلیارد نفر است. محمد یونس در گفت‌وگو با شبکه «دموکراسی حالا» درباره به‌صفر رساندن انتشار کربن و فقر می‌گوید سیستم کاپیتالیستی برای بنگلادش جواب نمی‌دهد: «این سیستم کاپیتالیستی، ثروت را از لایه‌های زیرین جمع‌آوری می‌کند و آن را به افراد بالاتر می‌رساند. پس آنها به فارچ بزرگی از ثروت تبدیل می‌شوند و ۹۹ درصد مردم مثل ساقه قارچ آویزان‌اند. این ساقه نازک‌تر و نازک‌تر می‌شود و سهمی از ثروت که به ۹۹ درصد اختصاص می‌گیرد، کوچک‌تر می‌شود.» یونس این‌پدیده را «بمب در حال انفجاری» توصیف می‌کند که هر لحظه ممکن است در ساختار سیاسی، اجتماعی اقتصادی منفجر شود. به‌گفته یونس تمرکز ثروت از زمان به‌کارگیری از سیستم کاپیتالیستی آغاز شد که در ابتدا قابل مشاهده نبود. اما امروز بدتر و بدتر شده و سرعت تمرکز ثروت را سریع و سریع‌تر کرده است. یونس می‌گوید چند سال پیش ۳۲ نفر، نیمی از ثروت جهان را در اختیار داشتند. ۸ نفر شده‌اند، به‌زودی ۵ نفر و ۲ نفر خواهند شد. یونس معتقد است تمرکز ثروت، تمرکز قدرت را به‌همراه دارد. ثروت و قدرت در کنار هم قرار می‌گیرند در نتیجه قدرت، کنترل دولت و سیاست و رسانه و کسب‌وکارها در اختیار ثروتمندان قرار می‌گیرد. به‌همین ترتیب لایه‌های زیرین قدرت خشمگین‌تر شدند.

دانشجویان پیشروتر از سیاستمداران

نصرت چوادهری، استاد انسان‌شناسی در دانشگاه ونوسینده کتاب «پارادوکس‌های محبوب: سیاست‌های جمعی در بنگلادش» درباره معنای انتخاب یونس و آینده آن برای بنگلادش و جهان می‌گوید، یکی از دلایل بازگشت یونس و پذیرش ریاست دولت موقت این است که عده بسیاری از مردم بنگلادش از سیاست‌های حزبی خسته شده بودند. دلیل اینکه این جنبش دانشجویی و جنبش‌های موفق پیشین با وجود هزینه‌های بالا به‌ثمر رسیدند این بود که آغاز آن از سوی یک حزب سیاسی نبود. چوادهری می‌گوید دانشجویان از ابتدا در خواسته‌هایشان بسیار شفاف بودند و اعلام کردند، دانشجویان می‌توانند به ما بپیوندند اما نمایندگان احزاب نه. در کشوری مثل بنگلادش به‌سختی می‌توان مقامی را پیدا کرد که تمام افشار جامعه او را بپذیرند و شناخت گسترده‌ای در میان آنها داشته باشد. محمد یونس هم در میان مردم بنگلادش و هم در جهان شناخته شده است. یونس تنها گزینه‌ای در بنگلادش بود که مشروعیت جهانی دارد.

قرار گرفتن ۲ دانشجو در تاریخ بنگلادش امری بی‌سابقه است اما در هر صورت تمام جنبش‌های سیاسی که در بنگلادش مستقل صورت گرفته‌اند از سوی دانشجویان رهبری شده‌اند. در اعتراضات اخیر بنگلادش مردم هم به دانشجویان پیوستند. اینکه دانشجویان رهبری این جنبش را برعهده داشتند موضوع عجیبی نیست و عضویت آنها در کابینه نشان‌دهنده آن است که نمی‌توان دانشجویان و جوانانی را که هیچ آگاهی از مسائل سیاسی ندارند، نادیده گرفت. به‌گفته چوادهری جوانان بنگلادشی آن چیزی را نشان می‌دهند که احزاب سیاسی با تجربه در ۱۵ سال گذشته نتوانسته‌اند. چوادهری ورود دانشجویان به کابینه را هم اتفاقی خوب و هم راهبردی می‌داند و معنای آن این است که هیچ سیاست جدیدی بدون مشورت با دانشجویانی که نشان داده‌اند به بلوغ رسیده‌اند و کارآمدند، نمی‌تواند شکل بگیرد.

۲۹ کودتای نظامی در بنگلادش

سیاست در بنگلادش مدت‌هاست که به صحنه رقابتی میان شیخ حسینیه، رهبر حزب عوامی لیگ و خالده ضیا، رئیس حزب ملی‌گرای بنگلادش تبدیل شده است. این رقابت ریشه‌های تاریخی عمیقی دارد. دوران سیاسی شیخ حسینیه با تلاش برای برقراری عدالت و تقویت قدرت پس از کودتای ۱۹۷۵ بود که ترور پدرش، شیخ مجیب الرحمن، بنیانگذار بنگلادش را به‌همراه داشت. در مقابل، ظهور خالده ضیا در سیاست به همسرش، ضیا‌الرحمن مربوط است که پس از کودتا به شخصیت برجسته‌ای تبدیل شد. خالده ضیا با اتهام به فساد که به‌طور گسترده انگیزه‌های سیاسی و حذف او از صحنه سیاست را در پشت‌پرده داشت به ۱۷ سال زندان محکوم شده بود.

نقش ارتش را هم نمی‌توان نادیده گرفت. تا اینجا واکرا زمان فرمانده ارتش فعلی، که همسرش فامیل شیخ حسینیه است، فعلاً هیچ تمایلی برای حکومت از طریق خونتای نظامی همانند گذشته نشان نداده است.

آزادی خالده ضیا به نقطه کانونی این گذار سیاسی تبدیل شده است. با حذف حسینیه درخواست‌ها برای آزادی ضیا از حصر که در بیمارستان تحت درمان قرار داشت، تشدید شده بود. حزب ملی‌گرای بنگلادش ادعا می‌کند که اتهامات علیه او برای عدم مشارکتش در سیاست بود. آزادی ضیا می‌تواند سببگنالی از فصل جدیدی در سیاست‌های بنگلادش باشد که به‌طور دوباره او به‌عنوان یک بازیگر کلیدی سیاسی کمک می‌کند.

مشارکت ارتش در گذار سیاسی، به‌ویژه در تسهیل آزادی ضیا نشان‌دهنده تغییر احتمالی در نقش آن در سیاست‌های بنگلادش است. ارتش نقش مهمی در اداره کشور نشان داده که اغلب در بحران‌های سیاسی ورود کرده است. شرایط کنونی ممکن است به نفوذ قوی‌تر ارتش در امور سیاسی منجر شود. رابطه بین ارتش، حزب ملی‌گرای بنگلادش و هرگونه دولت موقت برای شکل‌گیری آینده سیاسی حیاتی خواهد بود.

ارتش بنگلادش با وجود آنکه مشکل

از فرقه‌های مختلف است به‌طور

گسترده‌ای غیرحزبی دیده می‌شود

اما در تاریخ این قسمت از جهان

کودتاهای نظامی متعددی

دیده شده است. دانشجویان

از همان ابتدا به‌صراحت اعلام

کرده‌اند که آنها دولت موقتی

به‌رهبری ارتش را نمی‌خواهند.

بنگلادش از زمان استقلال

خود در سال ۱۹۷۱ تاکنون ۲۹

کودتای نظامی را تجربه کرده است.

ارتش بنگلادش در جنگ آزادی‌بخش

بنگلادش ۱۹۷۱ حضور فعالی داشت

و به همین ترتیب دارای قدرت بسیاری

مامور
دشمن
پوش

خروج شیخ حسینیه
در بنگلادش را آش